■ سال بیست و نهم ■ شماره ۸۱۲۱ ■ یکشنبه ■ ۱۶ بهمن ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۷/۵۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | اذان صبح فردا ۵/۳۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۱

سخن روز

امام علی علیه السلام:
«شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می‌کنم زیرا نماز برترین عمل و اساس دین شماست.»
بحارالانوار: ج ۸۲، ص ۲۰۹

به هنرمندان به چشم فرزند خود نگاه کنید

آتش تقی‌پور: از مسئولان تلویزیون می‌خواهم به هنرمندان به چشم فرزند خود نگاه کنند و در این مسیر حتی فرزند ناخلف‌شان را دور نیندازند. به نظرم آن‌طور که باید و شاید روی کارها سرمایه‌گذاری نمی‌شود و از طرفی هم به برخی چهره‌ها اهمیت داده نمی‌شود که بتوانند راحت حرفشان را بزنند. تلویزیون به سختی به دوران طلایی‌اش برمی‌گردد چون خیلی اعتمادها از بین رفته است و اینکه بسیاری از آدم‌های سابق دیگر نیستند. یک هنرمند تنها ابزارش بیان و گفتارش است. اگر به هنرمند میدان داده نشود، اتفاق خوبی نخواهد افتاد و ما تغییر نمی‌کنیم و به آن سال‌ها بر نمی‌گردیم. من با همین سن و سالم، خودم سانسورچی خودم هستم و حتی حرف‌هایم با شما را هم با ملاحظه بیان می‌کنم.

بخشی از سخنان بازیگر پیشکسوت در گفت‌وگو با ایسنا

چند باشی عاشق صورت بگو
طالب معنی شو و معنی بجو

صورت ظاهر فنا گردد بدان
عالم معنی بماند جاودان

مولانا

نگاره

رضا بدرالسماء

ما تا آخر ایستاده‌ایم

به بهانه هفدهمین جشنواره شعر فجر

منظومه «مرتد»

یادداشت

رباب کلامی فرد
شاعر

اگر جزو علاقه‌مندان شعر باشید، احتمالاً پیگیر اخبار جشنواره شعر فجر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اتفاقات ادبی کشور هستید. حضور کتاب «مرتد» در لیست نامزدهای نهایی گروه شعر کلاسیک من را بر آن داشت یادداشت مختصری درباره این مجموعه بنویسم.

مهدی جهاندار نام آشنایی برای شاعران و شعردوستان است و شاید بیشتر شهرتش را مدیون شعری باشد که در دیدار رمضانی شاعران با رهبر معظم انقلاب در سال ۹۶ با این مطلع خواند: «فتنه شاید روزگاری اهل ایمان بوده باشد»

کتاب مرتد دومین کتاب جهاندار است و پیش از این مجموعه «عشق سوزان است» را در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است.

آنچه در این مجموعه خودنمایی می‌کند منظومه فکری منسجم شاعر است. در روزگاری که اکثر مجموعه‌های شعر صرفاً کتابی هستند برای ارائه سروده‌های یک شاعر، جهاندار با هوشمندی، یک پازل در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. هر بخش از کتاب اعم از نامش، نام اشعارش، تصویر جلد و حتی تقدیم‌نامه آن بخشی از این پازل است و کشف ارتباط بین این اجزا برای مخاطب هوشمندانه بسیار لذتبخش است.

عنوان اشعار در کمال دقت انتخاب شده و همه نام‌ها صفتی برای انسان هستند و نمایشگر وجهی از شخصیت آدم نوعی. گویا شاعر هر بار با نگاه متفاوتی به ساحت انسان پرداخته و آن را به شعر کشیده و نام اشعارش را گذاشته است: گرفتار، رند، بی‌گناه، مست، فیلسوف و حتی هیچ! تنها غزلی که بر این منوال نامگذاری نشده غزلی به نام عشق است و چه بسا این انتخاب حکایتی داشته باشد. شاعر بر اساس همین سبک شخصی، نام کتابش را نیز صفت‌وار انتخاب کرده و «مرتد» گذاشته است. تقدیم‌نامه کتاب بر خلاف بیشتر کتاب‌هایی که دیده‌ایم شامل لیست وزینی از شاعران صاحبنام فارسی‌زبان است؛ از فردوسی، خیام و باباطاهر گرفته تا کلیم، حافظ و سعدی و در آخر لیست، کتاب را به پدر خود تقدیم کرده است.

پیش از غزل‌ها بخشی از آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده (بدون ترجمه) درج شده است: «... مَنْ یرْتَدَّ مِنْکمْ عَنْ دِینِهِ فَسَوْفَ یأْتِی‌اللهُ بِقَوْمٍ یحِبُّهُمْ وَ یحِبُّونَهُ أذِلَّة عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أعِزَّة عَلَی الْکافِرِینَ یجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ‌اللهِ وَ لا یخافُونَ لَوْمَة لائِمٍ...»

«... هر کس از شما که از دین خود برگردد به خدا ضرری نمی‌زند، چون خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند...»

به نظر می‌رسد انتخاب این آیه و نوع نامگذاری اشعار و تقدیم‌نامه را بتوان در یک منظومه فکری گنجاند. با نگاه مختصر به تفاسیر این آیه و توضیحات رهبر معظم انقلاب پیرامون این آیه این نکته کلی دستگیرم شد که ارتداد به طور مطلق به معنای برگشتن از دین نیست، می‌تواند اشاره به این باشد که فرد از راهی که می‌رفته برگشته است و اگر هم کسی مرتد شد، ضربه‌ای به دین خدا نخواهد زد، قومی می‌آیند که خدا را دوست دارند و بار خدا را به سرمنزل می‌رسانند. در نورالثقلین آمده پیامبر به سلمان اشاره کرده که هموطنان تو مصداق این آیه‌اند.

حال با توجه به همین معنا از مرتد، بار دیگر به فهرست و تقدیم نگاهی می‌اندازیم. انسان با ساحات مختلفش می‌تواند فیلسوف، عاشق، دردمند و زاهد باشد. می‌تواند قمارباز، بولهوس، طرار و رسوا باشد، حتی می‌تواند هیچ باشد ولی مسیر عشق در شعر بی‌رهرو نمی‌ماند؛ چنان که فردوسی، خیام، کلیم، مولوی، حافظ و سعدی همه رهرو این مسیر بوده‌اند و حتی اگر مرتد شده باشند بازهم عشق به سرانجام خواهد رسید. انسانِ نوعی در این مجموعه در نهایت با چه چیزی مواجه خواهد شد؟ شما را به نام غزل آخر کتاب ارجاع می‌دهم: ساقی! حقیقتاً باید به هوش آقای جهاندار آفرین گفت.

اگر از من بپرسید، می‌گویم طرح جلد نیز بخشی از این پازل و به نوعی ویترین اندیشه جهاندار است. در فضای تاریک ارتداد، هم ستاره‌ها خودنمایی می‌کنند و هم ماه. ماهی که اگرچه از اجتماع ستاره‌ها دور است و ترکیبی خاکستری از نور و تاریکی است، اما همچنان روشنایی یکدستی از دلش در حال جوشیدن است. به هرحال آقای جهاندار معتقدند «عشق سوزان است» (نام کتاب اولشان) و این سوختن و درخشیدن شامل ماه مرتد هم می‌شود.

جهاندار زبان روان و طبع جسوری دارد و در چند غزل دل به دریا زده و پا جای پای مولوی و حافظ گذاشته است. گاه جنون قلم او را واداشته مولوی‌وار بنویسد: «بتازیم بتازیم که ما کهنه‌سواریم/ بخندیم و برقصیم، سر جنگ نداریم» و گاه چون حافظ رندانه می‌سراید: «ای محتسب از عشق بریدی نبریدی/ بی‌عشق به مقصود رسیدی نرسیدی»

عمده اشعار محتوای فلسفی و عرفانی دارند و به جنس اشعار معناگرا بسیار نزدیک هستند. هر غزل گرد مضمون و محتوای پرداخته‌شده‌ای ساخته شده و در پی انتقال حرفی است و ای کاش قوت قلم شاعر در تمام غزلیاتش نمود داشت و این مجموعه را تبدیل به کتاب درخشان‌تری می‌کرد. از شاعری که می‌تواند چنین لطیف بگوید: «ما در این دشت به امید تو انگور شدیم/ ساقیا دست نگه دار و بمان، تا برسم» انتظار نمی‌رود در بیت دیگر همان غزل، اشکال نحوی داشته باشد: «ای تو خورشیدترین نقطه حیرانی من/ آنقدر خیره شوم تا به تماشا برسم» از نقاط ضعف کتاب می‌توان به ضعف تألیف‌های گهگاه و ابیات سستی اشاره کرد که در آنها شاعر برای پر کردن وزن، دست به دامن تکرارهای بی‌هدف شده است: «گنجشک مفت و سنگ مفت و مشکلی نیست/ دل‌ها ولی تُردند، اشکالش همینجاست/ باید بسازم خنجری نیشش ز فولاد/ این آخرین، این آخرین موضوع انشاست» یا «ما هنوز اندر خم این کوچه‌ها جا مانده‌ایم/ عشق طوفان بود از صحرا و صحراها گذشت»

کتاب با غزلی به نام «ساقی» تمام می‌شود که در آن با اشاره به چهل سالی که از انقلاب گذشته، در لفافه عرض ارادتی به ساحت امام زمان(عج) کرده است و با این دغدغه کتاب را به پایان می‌برد: «حر می‌شوم و مست به سوی تو می‌آیم/ بگذارد اگر گندم ری ساقی مجلس» این کتاب به همت انتشارات شهرستان ادب، در قطع رقعی و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه عرضه و روانه بازار شده است.

حق پرسش محفوظ است!

درباره نامزدی کتاب پاییز آمد در جایزه جلال

نگاه

آزاده جهان‌احمدی
منتقد ادبی

تقریباً در همه جای جهان قصه همین است. وقتی نامزد بخش‌های مختلف جشنواره‌های هنری و فرهنگی معرفی می‌شوند جریان تند تحلیل و اعتراض است که روانه خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها می‌شود. قدیم‌ترها این بیشتر باب بود که در همان جشنواره‌های کذایی وقتی اسامی برندگان اعلام می‌شد در کنار نام برنده از علت این انتخاب هم در قالب جملات کوتاه پرده برمی‌داشتند. برای نمونه می‌گفتند کتاب فلان یا فیلم بهمان «برای آنچه» خلق کرده و رقم زده شایسته این برگزیدن است. «برای آنچه» هم اشاره صریحی داشت به علت انتخاب داوران. همین‌قدر شفاف! دست‌کم اگر اقناع افکار عمومی و دفاع از اعتبار حرفه‌ای داور لازم است باید بهانه‌ای تراشید و جور کرد.

من به‌عنوان مخاطب جدی آثار تاریخ شفاهی و مستندنگاری کتاب پاییز آمد را خوانده بودم و اتفاقاً آن را اثری خوب می‌بینم. اما پرسش اصلی در میدان نویسه حاضر این است که؛ کتاب پاییز آمد چه تفاوت چشمگیر یا چه نکته خاصی‌تر از موارد مشابه خودش دارد که نامزد جایزه جلال می‌شود؟ اعتراض به روند مبهم برگزیدن و بالا آمدن آثار در سطوح مختلف نافی تلاش و حتی قوت اثر مورد بحث نیست بلکه نقطه کانونی پرسش گذاشتن مسأله‌ای مهم میانه دایره قضاوت است. اینکه ملاک و معیار شما در روند داوری چیست؟ چرا مخاطب شما نباید بداند عینک شما برای داوری چه مؤلفه و ویژگی را مدنظر داشته؟ چرا این مؤلفه‌ها اگر وجود داشته باشند برای شما حائزاهمیت هستند؟ بگذارید یک گام به عقب بروم و کمی درباره این کتاب توضیح بدهم.

کتاب پاییز آمد خاطرات فخرالسادات موسوی، همسر شهید احمد یوسفی، فرمانده سپاه زنجان به قلم گلستان جعفریان است. این کتاب با راوی اول شخص از کودکی فخرالسادات شروع می‌شود. از همان ابتدای روایت، نویسنده سخاوتمندانه و بی‌لفاظی‌های معمول، اطلاعات خانوادگی و شخصیتی و روحی آدم‌های زندگی فخری را در اختیار خواننده قرار می‌دهند. زندگی فخری از کودکی و آشنایی با سبک زندگی و خانوادگی او آغاز می‌شود و به روزهای انقلاب و نوجوانی او می‌رسد. روایتی گام‌به‌گام، بی‌تعجیل و بی‌حاشیه. قصه زندگی فخرالسادات این است؛ روایت دختری ۱۸ ساله که عاشق معلم سلاح‌شناسی پاسدارش می‌شود.

کتاب پاییز آمد حسب و سیاق رسته‌ای از کتاب‌های تاریخ‌شفاهی است که متکفل بازنمایی و تصویر زندگی همسران شهداست. همسرانی همراه، پرتلاش، اهل شکیب و تاب‌آوری در برابر دشواری‌های زندگی.

بعد از تمرکز بر خاطرات و زندگی‌نوشت‌های شهدا احساس نیاز به شنیده شدن زنانی که تجربه همسری شهدا را داشتند شدت گرفت و همین امر موجب شکل‌گیری حلقه گسترده‌ای از کتاب‌هایی شد که به خاطرات همسران شهدا می‌پرداخت. این کثرت فی‌نفسه از نقاط قوت ادبیات پایداری تلقی می‌گردد. با همین تعدد و کثرت زندگی‌نوشت و خاطرات همسران شهداست که امکان تحلیل و بررسی و نقد برای محققین فراهم می‌شود. با نگاه از بیرون به این کثرت به این برآیند می‌رسیم که در این موضوع و رسته ما با مجموعه‌هایی مشابه هم روبه‌رو هستیم. زندگی‌ها و آدم‌ها و حتی عشق‌ورزی‌های مشابه و حتی سرنوشت‌های مشابه. حالا گیرم با کمی اختلاف در جزئیات. اما به هر حال کلیات ناگزیر همه شبیه هم هستند. زن و شوهرهای مذهبی و معتقد به گفتمان انقلاب در کوران انقلاب و جنگ تجربیات و زندگی‌های مشابه داشتند و اکنون ما مخاطب آثاری هستیم که حامل همه آن شباهت‌هاست. کتاب پاییز آمد از جهاتی ناقض همین موضوع است. نکته متفاوت در آن چالشی است بین یک دختر باخانواده برای ازدواج با فردی که در گستره نظام ارزشی آن خانواده جایی ندارد. همین!

به جز سوژه (فخرالسادات) که خانم جعفریان هم اتفاقاً خوب روایت کرده است حق پرسش جدی برای مخاطب محفوظ است که علت نامزد شدن این کتاب چیست؟ جایزه با هر اسم و عنوانی وقتی نام یک اثر را به‌عنوان برگزیده یا حتی نامزد معرفی کند به اثر اعتبار و ضریب توأمان می‌دهد. آیا این اعتبار و ضریب باید دلیلی عقلی و منطقی و عاری ازمصلحت‌سنجی داشته باشد یا خیر؟ من می‌گویم باید داشته باشد.

فضای مجازی

اتمام کار تألیف و انتشار رمانی تازه از ایزابل آلنده و توزیع جهانی آن تا چندی دیگر و رونمایی از دو نسخه قرآن خط کوفی، برخی خبرهایی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

■ رمانی تازه از ایزابل آلنده

ایزابل آلنده نویسنده شیلیایی بزودی بیست و دومین رمانش را با عنوان «باد نام مرا می‌داند» درباره پناهندگان و مهاجرت منتشر می‌کند. آن‌گونه که درباره این کتاب گفته شده، داستان آن در وین سال ۱۹۳۸ آغاز می‌شود، زمانی که ساموئل آدلر ۵ ساله است و پدرش در شبی که خانواده همه چیزشان را از دست می‌دهند، ناپدید می‌شود. مادر ساموئل جایی برای او در قطاری که از اتریش تحت اشغال نازی‌ها به انگلستان می‌رود به دست می‌آورد و او تنها در حالی راهی سفر می‌شود که چیزی جز لباس و ویولنش همراه ندارد. در آریزونای ۲۰۱۹ هشت دهه بعد، آنیتا دیاز و مادرش سوار قطار دیگری می‌شوند و از خطر احتمالی که در السالوادور تهدیدشان می‌کند، فرار می‌کنند و به امریکا می‌روند، اما ورود آنها همزمان است با اجرای سیاست جداسازی خانواده پناهندگان که از سوی ترامپ اعمال شد و آنیتای ۷ ساله خود را در اردوگاهی تنها می‌یابد و در همین حال سلنا مددکار جوان اجتماعی به امید یافتن رد مادر آنیتا از یک وکیل کمک می‌گیرد. «باد نام مرا می‌داند» گذشته و حال را درهم می‌پیچد و داستان این دو شخصیت در دو دنیای متفاوت را در جست‌وجوی خانواده و خانه روایت می‌کند. این کتاب هم گواهی است بر فداکاری‌هایی که والدین انجام می‌دهند و هم نامه‌ای عاشقانه برای فرزندانی که از خطرهایی باورنکردنی جان سالم به در می‌برند و رؤیاپردازی را فراموش نمی‌کنند.

■ اعلام زمان اکران دنباله «گلادیاتور»

کمپانی پارامونت زمان اکران دنباله فیلم «گلادیاتور» به کارگردانی «ریدلی اسکات» را اعلام کرد. ساخته جدید «ریدلی اسکات» که دنباله‌ای بر فیلم موفق «گلادیاتور» با بازی «راسل کرو» در سال ۲۰۲۲ است، ۲۲ سال پس از قسمت اصلی و از ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴ اکران عمومی خواهد شد. قسمت اصلی فیلم «گلادیاتور» در حالی در سال ۲۰۲۲ اکران شد که «راسل کرو» در نقش ماکسیموس سرباز رومی که به بردگی گرفته شده بود، ظاهر شد و در تلاش برای گرفتن انتقام از کومودوس امپراطور غاصب رومی با بازی «واکین فینیکس» است. شخصیت اصلی گلادیاتور در انتهای فیلم اصلی می‌میرد و فیلم جدید با محوریت شخصیت «لوسیوس» پسر خواهر کومودوس ساخته می‌شود که به شدت تحت تأثیر شخصیت ماکسیموس قرار می‌گیرد. «پاول مسکل» بازیگر فیلم‌های «مردم معمولی» و «افترسان» برای ایفای نقش اصلی لوسیوس در این فیلم انتخاب شده است. «مسکل» پس از ایفای نقش در اقتباس پربیننده از رمان «مردم عادی» نوشته «سالی رونی»، در کنار «اولیویا کولمن» در «دختر گمشده» و «امیلی واتسون» در فیلم «مخلوقات خدا» بازی کرد و برای درام «افترسان» مورد تحسین قرار گرفت. او هم‌اکنون مشغول بازی در نقش استنلی در نمایش «اتوبوسی به نام هوس» در تئاتر آلمیدا در لندن است و پس از آن در فیلم علمی-تخیلی «دشمن» در کنار «سیرشا رونان» ظاهر خواهد شد.

■ رونمایی از دو نسخه قرآن خط کوفی

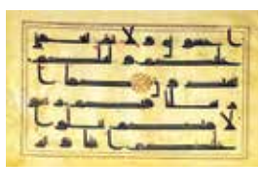

موزه و کتابخانه ملک به مناسبت سالروز ولادت حضرت علی(ع) نمایشگاهی از نسخه‌های نفیس قرآن کریم به خط کوفی و نهج‌البلاغه برپا کرده که این آثار به همراه نشریات و کاتالوگ‌های لاتین حراجی‌های معتبر آثار تاریخی ـ هنری دوران اسلامی، از جمله آثار مجموعه اهدایی «ابوالعلا سودآور» ـ نوه حاج حسین آقا ملک (واقف موزه و کتابخانه ملک) ـ به این موزه است که نمایش آنها تا دو هفته آینده ادامه دارد. این دو نسخه از قرآن به خط کوفی برای نخستین بار است که رونمایی می‌شوند. این نسخه از قرآن به خط کوفی، حاوی آیاتی از سوره‌های بقره و انعام است. این اثر هشت برگ از اوراق قرآن کریم به خط کوفی روی پوست است. اوراق در اندازه ۸,۱۸ در ۴,۲۹ سانتی‌متر و حاوی ۶ سطر در هر برگ است. مسطر یا سطح نوشته ۸,۱۵ در ۳,۲۳ سانتی‌متر است. این نوع خط کوفی از نوع DI در تقسیم‌بندی ششگانه «فرانسوا دِرُش» ـ پژوهشگر و متخصص نسخه‌شناسی و کتیبه‌شناسی ـ از خط کوفی به شمار می‌آید. کتابخانه و موزه ملک در میدان امام خمینی تهران، سر در باغ ملی، خیابان ملل متحد (میدان مشق) واقع شده که بازدید از آن در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۵:۳۰ و روزهای پنجشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۵ امکان‌پذیر است.

خانواده کرافت، ندیم و محمد، ناوالنی و دیگران

درنگ

محمد احسان مفیدی‌کیا
منتقد سینما

مثل هر سال علاقه‌مندان سینمای مستند منتظر نامزدهای جایزه بهترین فیلم مستند در اسکار ۲۰۲۳ بودند که معرفی شد. البته مخاطبان جدی فیلم‌های جشنواره‌ای بخصوص در مورد جشنواره‌هایی که سویه‌های سیاسی و غیرهنری پررنگ‌تری دارند، می‌دانند قرار دادن عناصری خاص در محصولات هنری که مورد علاقه سیاستگذاران این جشنواره‌ها است، می‌تواند در توجه به اثر مستند تأثیر بسزایی داشته باشد؛ بویژه در مورد آکادمی اسکار و فیلم‌های مستندی که در سال ۲۰۲۳ نامزد شده‌اند، به نظر می‌رسد توجه به جو غالب ضدروسی و هم قرار دادن یک فیلم در حال و هوای نن گلدین در سبد جشنواره، در انتخاب آثار مؤثر بوده است و چه بسا فیلم‌هایی که ارزش هنری یا استنادی بیشتری داشته و از فهرست جامانده‌اند. یادداشت پیش‌رو نگاهی گذرا به ۴ اثری است که در این فهرست جای دارند.

آتش عشق / سارا دوسا: فیلم درباره زندگی یک زوج عاشق آتشفشان‌شناسی است که همان ابتدای کار می‌فهمیم سال‌ها پیش در اثر یک فوران گدازه و خاکستر ابدی شده‌اند. یک مستند رمانتیک، خوش‌ساخت با تدوین مثال‌زدنی و همه چیز تمام. عکس‌ها و راش‌هایی را که در اثر مورد استفاده سارا دوسا قرار گرفته خانواده دونفره موریس و کاتیا کرافت فرانسوی طی سالیان درازی که به هرکجای دنیا و در پی آتشفشان‌ها رفته‌اند، تهیه کرده و روایت از دل همین گدازه‌ها است که خود را بیرون می‌کشد. یک جمله کلیدی در متن درخشان مستند است که راهگشای فهم نسبت بین این زوج عاشق و هم عشق آن دو به آتشفشان‌ها است، «فهمیدن نام دیگر عشق است.»

همه آن چیزهایی که نفس می‌کشند / شوناک سن: دو برادر هندی اهل وزیرآباد یک بیمارستان ویژه پرندگان دایر کرده‌اند و به صورت خودجوش و از سر علاقه ۲۰ سالی است که به درمان یک پرنده شکاری کوچک به نام «بادبادک سیاه» می‌پردازند. به گفته ندیم شهزاد و محمد سعود آنها تاکنون نزدیک به ۲۰,۰۰۰ پرنده را مداوا کرده و دوباره به آسمان هند بازگردانده‌اند. تصویربرداری مستند فوق‌العاده است. نگاه دقیق و ریزبین کارگردان با کمک تصویربردارانش یعنی بن برنهارد، ریجو داس و ساومیاناندا ساهی از ریزترین عنکبوت‌ها تا بزرگ‌ترین گاوهایی را که در کوچه‌ها پرسه می‌زنند از جلوی قاب دوربینشان گذرانده و درهم‌تنیدگی زندگی «همه آنهایی که نفس می‌کشند» را با انسان در دهلی‌نو به خوبی بیان کرده و برای این از هیچ خلاقیت بصری فروگذار نمی‌کند. او در ادامه کار به مردم‌شناسی و شکاف‌های فرهنگی و مذهبی در دهلی می‌رسد و داستان طور دیگری پیش می‌رود.

ناوالنی / دانیال روهر: آلکسی آناتولیوویچ ناوالنی، رهبر مخالفان دولت روسیه، شخصیت مرکزی مستند دانیل روهر، مستندساز جوان کانادایی است. او بعد از یک مقدمه کوتاه درباره پیشینه سیاسی ناوالنی، راست و سریع می‌رود سراغ اصل مطلب و با آرشیوها و فیلم‌های موبایلی، داستان مسموم شدن سوژه خود در سفر انتخاباتی‌اش از تومسک به مسکو را روایت می‌کند. در ادامه فیلم بیشتر به سمت یک فعالیت پلیسی می‌رود که طی آن ناوالنی در پی اثبات ادعای خود است و در یک نقطه اوج و طی یک تماس تلفنی ساختگی، جمله‌ای که می‌خواهد را از زیر زبان یکی از افسران اطلاعاتی روسیه بیرون می‌کشد. حالا که راز برملا شده و همه چیز برای ناوالنی مشخص است، قصد بازگشت به وطن خود می‌کند و بلیت پرواز برلین-مسکو را می‌خرد، جایی که دردسر تازه‌ای در انتظار او است...

خانه‌ای از تکه‌پاره‌ها / سیمون لرنگ ویلمونت: اینجا لیسیچانسک در شرق اوکراین است؛ جایی که صدای توپ و خمپاره جنگ از فاصله‌ای نه‌چندان دور شنیده می‌شود. سایمون لرنگ ویلمونت یک‌بار دیگر سراغ مسأله کودکان و تاب‌آوری آنها در شرایط بد اجتماعی بویژه زندگی آنها در مناطق جنگی اوکراین رفته است. بیرون این دیوارهای خسته، همیشه زمستان است. یک فضای سرد و خاکستری که گویی هیچ وقت رنگ‌های گرم را به خود نخواهد دید. درون خانه اما وضع دیگری دارد؛ کودکانی که از خشونت، اعتیاد یا فقر والدین خود متأثر بوده‌اند، چند ماهی میهمان این پناهگاه امن هستند و در آنجا پذیرایی می‌شوند تا دولت برای باقی کودکی‌شان تصمیم بگیرد.

شناسایی پیمانکاران
تامین نیروی انسانی
(شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران)

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران (سهامی عام) با سابقه فعالیت در زمینه انبارداری، تخلیه و بارگیری در نظر دارد نسبت به شناسایی پیمانکاران تأمین نیروی انسانی جهت تأمین ۳۸۰ نفر در سطح کشور اقدام نماید.
لذا از کلیه شرکت‌های واجد شرایط دارای گواهی‌نامه صلاحیت کار پیمانکاری و گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی (مورد تأیید و صادره از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) که دارای حداقل دو سال سابقه کار مرتبط در زمینه تأمین نیروی انسانی می‌باشند (ارائه نمونه قراردادهای مشابه در ابعاد و مختصات مد نظر این شرکت)، دعوت می‌گردد ظرف مدت ۱۵روز از تاریخ نشر این آگهی نسبت به ارسال موارد مذکور به آدرس تهران، میدان شیخ بهایی، ابتدای خیابان سنول، کوچه ماهتاب، پلاک ۲۵ اقدام نماید.
شماره تماس: ۸۸۰۶۰۳۲۳-۰۲۱ (داخلی ۱۲۱)